

پاشناسایی منافذ وقوع فساد و بیست آن، مانند طرح پیشگیری از وقوع مطالبات معوق. به عبارت دیگر، در آن همایش می خواستیم این نکته را مطرح کنیم که مطابق این تلاش ها، راه مقابله با فساد، انتقال اقتصاد کشور به اتاق شیشه‌ای است تا فعالیت های آن از همه زوایا قابل رؤیت و رصد باشد. وقتی اقتصاد وارد اتاق شیشه‌ای شد، دیگر زیر زمین و پستو ندارد که کسی در آن پنهان شود. اگر هم فساد رخ داد، تشکل های مردم نهاد و رسانه ها فساد را عیان و آبروی فرد مفسد را می برد و این همان چیزی است که اکنون در بسیاری از کشورها شاهد آن هستیم.

**۴ مورد از طرح های شمدارز زمینه مقابله با قاچاق است. چرا تا این حد روی قاچاق تمرکز کردید. مثلاً در طرح نظارت بر مبادلات ارزی و ورود**

**و خروج ارز مسافران، دنبال چه هدفی هستید؟**  
ما از ابتدای آذرماه امسال طرح ساماندهی ارز همراه مسافرو ترانزیت ارز را اجرایی کردیم. تائیش از اجرایی شدن این طرح، هر کسی که وارد کشور می شد، می توانست هر مقدار که می خواهد می تواند، پول نقد وارد کشور کند. به همین دلیل کیسه کیسه پول وارد کشور می کردند، تنها از بانک مستقر در مرز، یک گواهی می گرفتند که مثلاً من مسافر، یک میلیون دلار وارد کشور کرده‌ام. فرد مسافری وارد کننده، می توانست به تناسب این مبلغ، هر ارزی که بخواهد از گمرک کشور خارج کند.

**مگر چنین چیزی برای یک کشور ممکن است؟ این پولشویی است.**

دقیقاً در راستای مبارزه با قاچاق ارز پولشویی این کار را انجام دادیم. تا سه ماه پیش این موضوع در جریان بود. گزارش های زیادی داشتیم که از مرزهای شرقی کشور کیسه پول های مختلف وارد کشور می شود و پول هایی در دفعات مختلف، با کیف سامسونگ از ایران به مقصد امارات می رفت. گاهی هم پولی نمی آمد، اما از کشور پول خارج می شد. مثلاً موردی بود که کارمند بانک مستقر در مرز میر جاوه، تأیید کرده و گواهی داده که امروز یک میلیون دلار وارد کشور شده که به تناسب این گواهی، فرد می توانست یک میلیون دلار از هر ارزی که بخواهد، از کشور خارج کند، اما کارمند بانک، در تاریخی که گواهی را صادر کرده بود، در مرخصی و تهران به سر می برد. یعنی اساساً این کارمند به آن فرد برگه سفید داده بود و آن فرد نیز هر تاریخی که می خواست، روی آن درج کرده بود. اما تلاش زیادی کردیم تا مصوب شد که مانند همه جای دنیا، هر نوع ورود پول به کشور باید با بانک مرکزی هماهنگ شده و منشأ پول مشخص شود. البته در این رابطه نیز با مقاومت های زیادی روبه رو بودیم.

**مقاولت ها از کجا بود؟**

در نظام اداری کشور و دستگاه هایی که درگیر کار بودند و بیشتر از جنس تعارض منافع و اختلاف نظر بود مثلاً گمرک نظری داشت، بانک هم به همین ترتیب.

**شمار برای مقابله با این نوع فساد پولشویی چه تدبیری اندیشیدید؟**

در طرح جدید، همراه آوردن پول تا سقف ۱۰ هزار دلار بلامانع است، اما بیش از این مقدار باید به بانک ملی اظهار شود. پول نزد بانک ملی امانت می ماند و فرد به «FIU» یا مرکز مبارزه با پولشویی معرفی می شود تا منشأ پول را اعلام کند. ممکن است فرد بگوید که این پول فروش خانه است، باید سند فروش از کشور مبدأ ارائه کند. به این ترتیب دیگر کسی نمی تواند مانند سابق هر مقدار که بخواهد، پول وارد کشور کند.

**در طرح ساماندهی مرز های ورودی و خروجی چه هدفی را دنبال می کنید؟**

هر کشور تنهائیک سازمان گمرکی دارد، این جزء اصول کلی در دنیا است. اما در ایران، دو گمرک داریم، یک گمرک مرکزی و دیگری گمرک مناطق آزاد. گمرک مناطق آزاد مستقل از گمرک اصلی عمل می کنند. در این شرایط، اگر کالای معینی به یک منطقه آزاد وارد شود، به گمرک جمهوری اسلامی ایران اظهار نمی شود و تنها وقتی که بخواهد از منطقه آزاد وارد سرزمین اصلی شود، گمرک جمهوری اسلامی ایران وارد عمل می شود. این دوگانگی است، در حالی که مرزبانان اقتصادی باید یک سازمان و یک بخش باشند و باید با هماهنگی گمرک مرکزی، مبادلات انجام شود. در شرایط دوگانگی، چه اتفاقی می افتاد؟ مقایسه آمار های واردات نشان می دهد که در مواردی، مثلاً هزار واحد از یک کالا وارد گمرک یک منطقه آزاد شده است، اما از همان کالا تنها ۲۰۰ واحد وارد

جمهوری اسلامی ایران شده و واردات آن به گمرک اعلام شده است. مشخص است که ۸۰۰ واحد دیگر به صورت قاچاق وارد کشور شده است، زیرا مناطق آزاد ظرفیت مصرف این حجم از کالاها را ندارند.

**به این ترتیب مناطق آزاد به مراکز ورود کالای قاچاق به کشور تبدیل می شوند.**

معتقدیم در مناطق آزاد باید قوانین این مناطق اجرا شوند، اما نباید دو گمرک داشته باشیم، بلکه گمرک جمهوری اسلامی ایران باید در مبادی ورودی این مناطق مستقر شود تا جلوی قاچاق گرفته شود، اما گمرک مناطق آزاد زیر بار این امر نمی رود. تأکید دیگر ما، فنس کشی و حصار کشی در مناطق آزاد است که در برخی کشورها اجرا شده است.

**شرکای بایک زنجانی دنبال**

خرید زمان هستند. آدم هایی که می آیند، با زنجانی مرتبطند، یا از او نفع بردند یا احساس می کنند با بیرون آمدن بایک زنجانی از زندان، می توانند به منابعی دسترسی پیدا کنند. یعنی حاضرند برای او هزینه کنند تا به منابعی برسند که با حضور بایک زنجانی ممکن است به دست بیاید اما در کار خود به صورت واقعی جدی و صادق نیستند



بوده است. از روز نخست به این جمع بندی رسیدیم که بخشی از مسأله، تخلف و منشأ بخش دیگر قوانین بوده است. اعلام کردیم که حقوق های نامتعارف را محدود است. مایک جامعه آماری ۲۵۰۰ نفره را بررسی کردیم، نسبت ها همان شد که برخی دریافتی ۱۰ هزار مدیر را بررسی کردند. زیرا مسأله حقوق های نامتعارف از یک سطحی به بالا، شروع شد. حتی اگر از یک میلیون مدیر هم شروع می شد، باز به همان هزار و خرده های نفر می رسید. این مسأله ناشی از ضعفی بود که در ساختار وجود داشت.

**در مسأله حقوق های نامتعارف، رئیس جمهوری و معاون اول دخالت کردند، ساختار بررسی شد که مشکل از کجا بوده و در نهایت پول های به ناحق گرفته شده به خزانه بازگشت. چرا در املاک نجومی شاهد چنین برخوردی نبودیم، چه در نوع مواجهه مدیران شد مجموعه با مسأله و چه در بازگشت املاک به بیت المال؟**

به عنوان یک کارشناس، معتقدم در بحث املاک نجومی راه اشتباهی طی شد همان طور که در موضوع حقوق ها هم ابتدا بحث ها بطور دیگری بود. در زمینه حقوق های نامتعارف، این بحث مطرح شد که اگر مدیر، گفته باشد که من با فلان مقدار حقوق کاری نمی توانم اشکالی به آن گرفت. یا اگر یک مجموعه دولتی، چهار معاون داشته و هر معاون مقدار معینی دریافت می کرده اند، پس معاون مقصر نبوده است، مدیر او مقصر است. زیرا معاون لا بد پیش خود فکری می کرده که مجموعه قطعی دانند که این مبلغ به عنوان حقوق، درست است و چون درست است، پرداخت می شود. البته اگر کمتر پرداخت می شد، مدیر مربوطه می توانست بگوید من نمی توانم. با این مبلغ زندگی کنم و به جایی می روم که دریافتی بیشتری داشته باشم. بنابراین، اگر دریافت کنندگان حقوق های نامتعارف، به دست خود، در سازمان مربوطه، ساختار جدیدی وضع کرده باشند تا از طریق این ساختار، حقوق معینی دریافت کرده باشند، این امر تخلف است. اما مسأله این بود که در بسیاری از موارد، چنین ساختاری وضع نشده بود، اما آن مدیران و وجوه دریافتی را به خزانه بازگرداندند. این موضوع را دیوان محاسبات اعلام کرد. در مسأله املاک نجومی هم می توان چنین دیدگاهی داشت. در املاک، سازمان یا نهاد واگذار کننده گفته است که چنین ساز و کاری وجود دارد و ببینید ملکی را دریافت کنید، تصور دریافت کننده این است که مرجع تصمیم گیر، رسمی است و قطعاً مطابق قانون کاری می کند و تصمیم می گیرد، البته باید به این موضوع هم فکر کرد که قیمت ملکی که شما می گیرید، یک سوم قیمت منطقه و وسطی هم است، پس یک جای کار مشکل دارد. لذا دریافت کنندگان باید به این وجه هم فکری کردند، اما مقصور اصلی متوجه کسی است که املاک را واگذار کرده است، اوست که بیت المال را مال خودش دانسته و به آن چوب حراج زده است.

**نوع ورود دولت و شهرداری در باره این موضوع هائیز متفاوت بوده است. در مسأله حقوق ها، دولت با شدت وحدت وارد شد، اما در واگذاری املاک، تا امروز نیز برخی تلاش می کنند از خود رفع مسئولیت کنند. تفاوت رویکردها ناشی از چیست؟**

به این نکته اشاره کنم که در مسأله املاک نجومی با حقوق ها، قوه قضائیه در جلسه ای در ستاد، مسئولیت خود را پذیرفت و اقدام کرد. اما برعکس موضوع حقوق های نامتعارف در مسأله املاک، هنوز املاک به شهرداری باز نگشته و تا به نتیجه نهایی نرسد هم باز نمی گردد. اما رویکردها، طبیعتاً متفاوت است. نمی خواهم از دولت تعریف کنم، اما باید بپذیریم که دولت در بسیاری موارد مظلوم است؛ دولت هم نقدها و انتقادات را می پذیرد و هم خود در صدد حل مشکلات است. وقتی رئیس جمهوری و معاون اول ایشان اعلام می کنند که در مبارزه با فساد هیچ خط قرمزی نداریم، یعنی پذیرفته اند که امکان فساد وجود دارد. وقتی گفته می شود فساد سیستمی شده است، یعنی پذیرفته ایم که فساد هست و با موضوع بدون منطق یا دور از واقع بینی برخورد نمی شود، اما قصد دولت، اصلاح است. در مقابل، یک رویکرد دیگر هم هست که نمی پذیرد فساد رخ داده یا فساد وجود دارد.

**به صادق فساد هم اشاره کنیم. در پرونده بایک زنجانی، هنوز به سوال هایی که در ذهن مردم است و رئیس جمهوری نیز به آن اشاره کردند، پاسخی داده نشده است، اینکه پول ها کجاست و چه کسانی از او حمایت کردند. کاره کجاست، در دولت یا قوه قضائیه؟**

قوه قضائیه در حال تلاش و پیگیری است و تلاش بسیاری هم کرده است، اما قوه قضائیه باید کمک بگیرد و دولت همواره آماده کمک بوده است.

**امان رئیس جمهوری اعلام کرد که دولت آماده کمک است و حتی انتقاد کرد که متهم در اختیار وزارت اطلاعات قرار نگرفت.**  
قوه قضائیه باید بپذیرد و نباید فکر کند که به تنهایی می تواند کار را تمام کند. نظر کارشناسی من این است که پرونده بایک زنجانی، پرونده ای نیست که به تنهایی بتوان حریفش شد. هر کسی را بهر کاری ساختند. شاید قوه قضائیه در قضاوت تخصص کافی داشته باشد، اما در تحقیق نیاز به استفاده از ظرفیت های دیگری دارد. قوه قضائیه به تنهایی محقق خوبی نیست و می تواند از ظرفیت سایر قوا استفاده کند.

**پس هنوز از وزارت اطلاعات کمکی گرفته نشده است؟**  
کمک گرفته شد، اما خود بایک زنجانی در اختیار وزارت اطلاعات قرار نگرفت. در اینجاست که قدری فنی می شود. متهمی که دو سال است در زندان است، با متهمی که روز اول بازداشت با آن مواجه می شوید، متفاوت است. کسی که روز اول وارد زندان می شود، ترسی در خود دارد، اما وقتی دو سال گذشت و حکم اعدام هم برای او صادر شد، در این شرایط کار با متهم سخت می شود.

**بنابراین، عقبه بایک زنجانی و اینکه حامیان او چه کسانی بودند، هنوز مجهول است.**

قوه قضائیه کار کرده است، می دانم که قوه قضائیه بسیاری از مرتبطان و کسانی که حامی زنجانی بوده اند را دعوت کرده است، اما خود قوه قضائیه این بخش را آشکار نکرده است.

**شرکای خارجی او بارها به ایران آمده اند و جلسات بسیاری برگزار شده است؟ شرکای خارجی زنجانی در ادعاهای خود جدی هستند؟**

چند جلسه با آنان برگزار شد، پیگیری کردیم و در بسیاری از جلسات هم حضور داشتیم، اما معتقدم که آنان جدی نیستند.

**شرکای خارجی او دنبال چه هستند؟**

آدم هایی که می آیند، اعلام می کنند که این مقدار پول در فلان بانک، در فلان کشور داریم و می توانیم بپردازیم.

**کدام کشور؟**

کشور دوست و برادر همزبان. اما پولی که این ها ادعا می کنند دارند، حتی بیشتر از بودجه آن کشور است، ضمن اینکه بانکی که معرفی می کنند هم معتبر نیست. می گویند ما ضمانت نامه بانکی ارائه می کنیم، اما در مقابل، شما نیز یک تأییدیه بدون قید و شرط به ما بدهید که پس از دریافت ضمانت نامه، بایک زنجانی را آزاد می کنید و دیگر کاری با او ندارید. مانده تنها چنین چیزی را قبول نمی کنیم، بلکه می گوئیم بانک مورد ادعای آنان هم معتبر نیست و مانند بانک زنجانی در مالزی است. توانایی این بانک در این حد که عنوان می شود، نیست. لذا آنان می خواهیم که از یک بانک رسمی معتبر ضمانت نامه ارائه کنند.

**این بحث ها، در دو بار حضور آنان در کشور مطرح شد. آنان واقعا دنبال چه هستند؟**

فکری نمی کنم دنبال خرید زمان هستند. آدم هایی که می آیند، با زنجانی مرتبطند، یا از او نفع بردند یا احساس می کنند با بیرون آمدن بایک زنجانی از زندان، می توانند به منابعی دسترسی پیدا کنند. یعنی حاضرند برای او هزینه کنند تا به منابعی برسند که با حضور بایک زنجانی ممکن است به دست بیاید اما در کار خود به صورت واقعی جدی و صادق نیستند.